

## نقشه‌ها، جزیره‌ها، بوشه‌ر-ها و-ماس-ها.



ددار با آقا ساستن همشه لذت بخش و مفد بوده است. نوع دوست سبه بن غربه‌ها در افه‌ا سر مرد ار موضوع صحبت باینده تا م دلرها را عقب بزند. ثابت قدم به سمت نود سال مرفت، اما ته زدن به عصا ذهنش را تان نداده بود. ساستن عمرش را بن دو موضوع قسمت رده بود، ادبات و موسق و حت در زمان بازنشسته به آن دو وفادار ماند. متخصص ادبات فرانسه شد و در طول سال‌ها آن را مطالعه رد و مان ادبانه فرانسه ساخت و ادبانه برتانا تاجدارشان رد، تطبق مرد

به دل آشفته در حرفه‌ام ساستن خلا سریع به موضوع تخصصش مرفت و من او را به ان سمت مشاندم ار تازه‌ها از ادبات برتانا خوانده باشد. در حقت من ددار با او راهمون رفتن به بوستان اتابرورش مددم. مسائل مورد علاقه‌اش من را از افسرد و خش مسائل برون مشد ه عمر روزنامه‌نار عرب را مبلعد. شاد او هم از افتن فرد ه وش دادن را بر فتن ترجع مدهد خوشحال بود به خصوص ه ار صحبت‌ها دربار ه ساز بر خد ه روزهاشان را صرف ساختن سمفون باشوه ا نوشتن رمادزده باشند ه در سنه زمان ماستند

ساستن ر شد، اما از شور و شوق نفتاد. نان از اشتراوس و شون و بتهوون و موتسارت حرف مزده فتاز دوستان صمماش مود. از فلوبر و روست و بالزا طور سخن مفت ه انار همین الان از شب نشن با آنها برشته. ول جاهه استننا در ارزش‌نار حاصل عمرش نداشت و خوش و خرم از ان بود ه حقوق بازنشسته به او اجازه خرد تاب و رفتن به برنامه‌ها بزر موسق مداد

ند روز است ه «رونا» تنها غذا سر سفره ما شده است. در تلفن و اموتر و صفحه‌ها تلوزوذ و جلسات تحرره. تترها دربار ه وروس. مقاله‌ها دربار ه رونا. همین طور خرها فور. همه توجه‌ها را از هرز جز خودش به خود جلب رده از جمله رؤساه قوانن اساس را دستار منند تا مدت اقامتشان را تمدد و ابد نند. مسئله ترار، خسته ننده است حترار مهم و خطرنا باشد. آسان نست ه هر روز تتر دانه مشابه تترها قبل نباشد آن هم از زاوه ا ه ترار نباشد

دلزده از موضوع مرر خوشحال شدم از انه آقا ساستن را ددم ه ب خال ترس و سرما نشان مداد زند عاد باد بنزد. فرصت ش آمده را غنمت شمردم تا مدت وتاه از مسئله ا ه ند هفته روزها ما را مبلعد، دور شوم. اما معلوم شد در محاسبه ترم به خطا رفته و وروس اولوت بند دوستم را تفر داده است.

دوستت نان تورا دلرم مند ه فتدل خودش را قرص مند. ان ابرساره است اما خواهد نشت. جهان باد به توصیه‌ها دقت ند و خونسرد خودش را حفظ ند. خبران ساره خلا هم خطرنا نست

ان موج نران ننده است، اما ار به آنه ش از ان برجها ن آمده مقاسه شود، ز نست. مردم در نبود درمان و واسن فاجعه مر و مر را تجربه خواهند رد، ون آموخته اند به شرفن علم و طب و توان عقل بشر در مواجهه با خطرات و شرفتن از آن در بسار موارد اعتماد نند. «رونا جدد» اعتماد شهر ونند. جهان به مران مسؤل بهداشت را مخدوش رد.

ناهان خود را در مقابل زشان و دانشمندان ده بش از آنه جواد عرضه نند، سئوالات بشتر مر سند. ابهام ماه دستا و تعجب است اصلا. ماه نرا ذاست و قته مسئله به زند مردم مربوط بشود. به همن دلل متوان بو غم را در صحبتها رامون وروس جدد دد. اندوه بر قربانان و روهها هراسان و اندوه بر اانه ان ام آزار دهنده نه تنها انسان را به اد شنند خودش انداخت بله سست و شنند همه راه ط شده شرفن را ش شمش مآورد علرغم همه دست آوردها و جهشها ه محقق ساخته

بحران شهروندان عاد را به ارشناسان وروسها تبدل رد به خصوص ه اطلاعات با فشردن دمه در دسترس قرار مرند. دو ستم مرا به اد فصلها در دنا انداخت ه بشرت در طول تاریخ زسته و با هجوم وروسها ناشناس دست و نجه نرم رده ه اه ملونها جان را رفته. دو ستم در باره «طاعون جستنان» صحبت رده در وشه و اطراف امراطور بزانس شاع شد و از قارهها نشت و تعداد زاد قربانرقت. در باره «طاعون ساه» فت ه اروا را در قرن چهاردهم فرارفت و به مر 20 ملون فرد منجر شد

ناز به دلل نبود تا بفهمم وروسها ه سرسخت و قدرت برشتن دارند. اما باد وش مدادم به احترام دو سته وروسها ابدا در تخصص ا توجهش نستند. به «طاعون عظم لندن» اشاره رده در قرن هفدهم از هلند وارد شد و هارم سانان ان شهر را بلعد. از وروس «تب زرد» فت ه منطقه فلادلفا امر را فرارفت و از آنجا هم به «طاعون بزر» شهر مار سرسد ه 100 هزار نفر را طند روز در و رد. صحبت به «طاعون منشورا» در اوال قرن دشته شد. همن «آنفلانزا اسانا» ه ند ملون آدم در و رد. سخنان مفدش را ادامه داد تا به «رونا» رسد بعد از آنه نر به «ابولا» و ند استاه در رد

غرق شدن ان مررد برطانا در ان جزئات دلا بود بر حجم هراسها ه «رونا» در جان شهروندان عاد برانخته است، مسئله ه آنها را واداشت تا سوابق را بدانند تا به ان نتیجه صرح برسند ه جهان در لان ان مسافر قاتل را شست مدهد

روشن بود ه ساستن قصد دارد موضع خودش را نسبت به ان قاتل سرالرخان تثبت ند. شاد از ان واهمه داشت دستور سره برابستن اقهها و در خانه نشن صادر بشود. روشن بود ه «رونا» بر همه روزهاش ساه انداخته و بتهوون و هادن و شسر و و لتر را از خاطرش برده بود. ساستن اد از دوستان قدمش نرده همه عمر طولا ذبا او بوده اند. به ان ترسش اشاره رد، مبادا ماسرم جدد بشود. ماس بر نقشه شور تا از دست دادن به همسلاهش عذر خواهند. و ماس بر شهر تا از حومه اش وزش بطلبد. ماس بر فرد تا از لعاب نر دترن فرد به خود نجات ابدا

قاتل سرال برنامه خود را بر جهان تحمل رد. زباترین میدانها را تهاز ردشرد و در مدارس و موزهها و اقهها را بست. جهان طور به نظر رسد ه درهاش را به امد نجات مبندد همان طور ه س به طمع اند خوابد برهم مذا رد. باره ساستن. در جهان سررم سمفوندها و رمانها نست. در دره هراس از در و خطر ه از او مآد، افتاده. انار «دهده جهان» و نقشهها و شهرها و خانوادهها را ته ته رد و به انزواها و جزار تبدل رده شت دراز ماسها قرار دارند

منبع: الشرق الاوسط فارس